

اسماعیل حاکی

فواید لغوی

التفهیم

متعلق است به استادان و دانشمندان و شاعران طراز اول همچون: ابوریحان بیرونی، ابوعلی سینا، بلعمی، بیهقی، نظامی عروضی، نصراله منشی، ناصر خسرو، فردوسی طوسی و سعدی و بزرگانی مانند ایشان.

لغت نویسی گذشته از آنکه باید صاحب شوق و اطلاعات علمی و ادبی باشد باید در راه دشواری که در پیش گرفته است حوصله و بردباری و بی نظری را پیشه خود سازد و از هر گونه تعصبی دوری جوید.

برخی از فرهنگنامه های متأخر مطالب را از یکدیگر اخذ و اقتباس کرده اند و تنها تفاوت عمده آنها بایکدیگر در مقدار لغات و طرز ضبط و تدوین آنها مثلاً برحسب در نظر گرفتن حرف اول یا آخر کلمه بوده است.

قرون پنجم و ششم هجری از حیث نثر فارسی یکی از ادوار بسیار مهم ادبی به شمار می آید. در این دوره با آنکه برخی از نویسندگان به سبک مصنوع و مزین علاقه بیشتری ابراز می نمودند هنوز کسانی بودند که از سبک ساده، که دنباله نثر ساده قرن چهارم بوده است، پیروی می کردند. از جمله تألیفات ارزنده که در اوایل

قرن پنجم هجری در علوم هندسه و حساب و نجوم و هیئت نوشته است کتاب (التفهیم لاوائل صناعات التنجیم) اثر دانشمند نامدار ابوریحان محمد بن احمد البیرونی الخوارزمی است.

ادان الفصلا، از فاضل خان پیر محمد دهلوی (مؤلف بسال ۸۲۲)، شرف نامه منیری، تألیف ابراهیم قوام الدین قانوقی (که در ۸۷۸ خاتمه یافته است).

برهان قاطع از محمد حسین بن خلف تبریزی (در سال ۱۰۶۲).

برهان صحیح از محمد کریم بن محمد تقی تبریزی، فرهنگ رشیدی (۱۰۳۴)، فرهنگ سروری (۱۰۰۸)، انجمن آرای ناصر، از رضاقلی خان هدایت (۱۲۳۸)، فرهنگ نظام، فرهنگ جهانگیری، بهار عجم، آندراج، غیاث اللغات و فرهنگهای متعدد دیگر.*

از میان فرهنگهای متأخر فرنوسار یا فرهنگ نفیسی از مرحوم ناظم الاطباء، لغت نامه تألیف مرحوم علی اکبر دهخدا و فرهنگ فارسی تألیف شادروان استاد دکتر محمد معین در خور ذکر و شایان اهمیت فراوان است.

بسیاری از واژه نامه های فارسی در شبه قاره هند و پاکستان تألیف گردیده است. شکی نیست که تألیف لغت نامه ای جامع و صحیح و صد درصد قابل اعتماد بستگی به مطالعه دقیق و تتبع در متون معتبر فارسی دارد. مخصوصاً متونی که

* - در نوشتن این مقدمه از مقاله شادروان استاد سعید نفیسی تحت عنوان (فرهنگهای پارسی) استفاده شده است.

ایرانیان از نخستین اقوامی بوده اند که اقدام به تألیف و تدوین واژه نامه (فرهنگ) کرده اند. فرهنگ نویسی ایرانیان را به دو مرحله می توان تقسیم کرد:

نخست - فرهنگ نویسی برای زبان تازی. دوم - فرهنگ نویسی برای زبان پارسی. معمولاً نخستین کتاب در لغت تازی را (کتاب العین) خلیل بن احمد فراهیدی (متوفی در سال ۱۷۵) می دانند.

از هری هروی صاحب (تهذیب اللغة) متوفی ۳۷۰، صاحب بن عباد طالقانی دانشمند معروف و صاحب کتاب (المحیط) متوفی ۳۸۵، و ابونصر جوهری صاحب (تاج اللغة) و (مقایس اللغة) متوفی ۳۹۳، و گروهی دیگر از لغت نویسان تازی از سرزمین ایران برخاسته اند اما فرهنگ نویسی برای زبان فارسی دری تقریباً هم زمان با فرهنگ نویسی برای زبان تازی به دست ایرانیان آغاز شده است:

قدیمترین کتابی که در این زمینه هست فرهنگ لغت فرس تألیف ابومنصور علی بن احمد اسدی طوسی است که آنرا در حدود سال ۴۵۸ تألیف کرده است. دیگر معیار جمالی است از شمس فخری که در ۷۴۴ به نام شاه شیخ ابواسحق اینجو تألیف شده و قسمتی از آن واژه نامه فارسی است. برخی از فرهنگنامه های معتبر فارسی عبارتند از:

بیرونی این کتاب را به سال ۴۲۰ هجری با انشایی بسیار ساده و زیبا به زبان فارسی نکاشت (متن عربی التفهیم نیز که از تألیفات خود استاد بیرونی است در دست است و به حال یکی از دو کتاب باید اصل و دیگری ترجمه آن باشد).

در این کتاب ابوریحان کوشیده تا آنجا که ممکن است از اصطلاحات موجود فارسی برای علوم ریاضی استفاده کند. غالب این لغات و اصطلاحات عیناً لغات و اصطلاحاتی است که از اواخر عهد ساسانی در نجوم و ریاضیات وجود داشته است، مانند: پری یا پرماهی برای حالت امتلاء نورقمر، بهر و بهره به معنی قسمت و بخش. استعمال کلمات عربی نسبتاً اندک است و آنچه از لغات عربی آمده ساده و مستعمل در زبان فارسی آن روز است. این قبیل لغات تازی نیز یا از نوع لغات دولتی است، مثل: حشم، صلح، ظفر، خطا و مملکت. یا لغات دینی است مانند: حلال، حق، اعتقاد، و احتیاط. و یالغات و اصطلاحات علمی است مانند: مقدار، جسم، حرکت، فلک و قائمه، و یا لغات و اصطلاحات و کنایاتی است که معادل فارسی نداشته است مانند: دعوی، مسوب، در حکم و جز آن.

در حقیقت (التفهیم) گنجینه‌ای است گرانبها انباشته از لغات و اصطلاحات و تعبیرات کهنه و اصیل فارسی و یکی از جهات مهم این کتاب جهد بلیغی است که ابوریحان در استعمال واژه‌ها و اصطلاحات علمی فارسی داشته است برخلاف معمول دانشمندان آن روزگار که آثار علمی را به زبان عربی می‌نوشتند و یا در تألیفات فارسی خود بیشتر واژه‌ها و اصطلاحات تازی به کار می‌بردند. از این رو می‌توان التفهیم را یکی از مآخذ عمده برای تألیف و تدوین فرهنگنامه دستور زبان فارسی به‌شمار آورد.

از آنجا که ابوریحان در این کتاب گذشته از ایرانیان، از احوال و آراء و آداب و رسوم ملل مختلف همچون: هندوان و تازیان و ترکان و دیگر اقوام نیز بحث و گفتگو می‌کند ناگزیر برخی از لغات و اصطلاحات آنان را در کتاب خویش آورده است از قبیل: لغات و اصطلاحات سانسکریت و تازی و ترکی و غیره.

و این خود یکی دیگر از خصوصیات بارز (التفهیم) از لحاظ اطلاع بر سابقه ورود این دسته لغات بیگانه در زبان فارسی است. فیلا به پاره‌ای از لغات و اصطلاحات فارسی این کتاب به نقل از مقدمه استاد همایی اشاره و در صورت لزوم درباره آنها به اختصار بحث می‌کنیم:

آب تاختن: کمیز زانندن و بول کردن. (وسنگ اندر کمیزدان و دشخواری آب تاختن) انگشت غماز: (صیابه) (و هر دو سر انگشت غماز بر میانگاه انگشت میانگی بنهی).

ارزیز: قلمی و رصاص. ارزیزگر: قلمی‌گر. بهمنجته: جشنی که در روز بهمن (روز

دوم) از ماه بهمن در ایران باستان منعقد می‌شد: (بهمنجته چیست؟ بهمن روز است از بهمن ماه ...). باشگونه: بازگونه (و به وقت فروشدن او همین هرهه حال باشد لکن نهاده آن باشگونه) بسودن: سودن، لمس کردن. برخ: پاره و قسمت.

برات: (شب پانزدهم ماه شعبان). از برات (پاکشدن از عیب و گناه) مثال: (و شب پانزدهم از ماه شعبان بزرگوار است و او را شب برات خوانند و همی‌پندارم که این از قبل آنست که هر که اندر عبادت کند و نیکی بجای آورد بیزاری یابد از دوزخ).

بهیزک: اندرگاه، خمسه مترقه (= پنجه دزدیده).

بری (= پرماهی): حالت امتلاء نورقمر و استقبال و مقابله. پیمایش (پیمودن): مساحی و اندازه گرفتن.

تندر: رعد. تیزنگر: تیزبین و دقیق‌ال نظر. چفته: خمیده، کج. چخیدن: ستیزه‌کردن.

چاشنگاه فراخ: مقابل چاشنگاه تنگ یعنی قبل از ظنر موسع و متعین (که اگر آفتاب آنجا به جای بودی وقت چاشنگاه فراخ بودی و به زوال نزدیک).

چرخخت: چوینی که در آن انگور بریزند و لگد کنند تا شیر آن برآید. چرخ (چرخ) برنده‌ای شکاری است: (کیوتر و سارو چرخ و باز ...). مسعود سعد سلمان گوید:

چون بازو چرخ، چرخ همی دارم به بند
گر در حذر خرابم و در رهبری سیا (قطا)

چرخس کوچک: بیت اصغر دانشمندان (دانشمندان).

دست آورنجن: دست‌بند، سوار (دست برنجن) ستو چهری گوید: چنان چون دوسر از هم باز کرده ز زر مغربی ستا ورنجن دوست پروین (اصطلاح نجومی):

«و اما آن روشن که بر منبر خداوند کرسی است او را کف خضیب خوانند ای دست حنا بسته از دوست پروین»

«پروین را چون سری نهادند با دو دست و سر انگشتان حنا بر بسته ستارگان پیش او» سال پیل: عام‌القیل

«و بیش از هجرت پیغامبر تاریخ به عام‌القیل ای سال پیل داشتندی»

سالخدها: رب‌السنه و صاحب‌السنه (اصطلاح نجومی)، خداوند شرف، و سعادت‌مند

ستان: به پشت خوابیده. ازرقی گوید: رخ او لاله ستان بود و سر زلفک او ز رنگیان داشت ستان خفته بر آن لاله‌ستان

سرو (سرون): شاخ جانوران. سرمای پیرزن: بردالمجوز (بردعجوز) سولاخ: سوراخ. شمار: حساب، عدد. قسوس: بازیچه و استهزاء مثال:

ابوطیب مصعبی شاعر دوره ساسانی گوید: جهانان همانا قسوسی و بازی که بر کس نیایی و پاکس‌سازی قسوس کردن: مسخرگی و مطایبه گفتن کبی: بوزینه در کلبه و دمنه رودکی آمده است:

شب زمستان بود کبی سرد یافت
کرمک شب تاب ناگه‌سی بنافت
گشن: فصل و تلقیح و مایه آستنی گشتی: نردیده و لقاح شده، و آستین کردن. غزالی در کیمیای سعادت آورده: (غذای ستور و سعادت وی خوردن و خفتن و گشتی کردن است) مسغان: مه و بزرگ مغان. مثال:

(او را) آزاد کرده و بر تخت زرین نشاند و مسغان نام کرده ای هم‌مغان) پاره‌ای لغات سانسکریت هم در این کتاب آمده است مانند:

Uttara (اوترا: شمال و Chatra (چتر): چتر و سایبان - گذشته از فواید لغوی بسیاری از قواعد دستوری نیز از مطالعه این اثر گرانبها برای ما حاصل می‌گردد:

۱ - کلمات مختوم به الف را بدون افزودن یاء یا (ان) جمع بسته است:

(و خاصه گروه ترا آن که سیرت ایشان هر چند که اعتقاد فاسد است به عنایت رسیدن است به مبینات و امانت و بر همگان شقت).

۲ - استعمال عدد ترتیبی به شیوه‌ای که در نزد قدما مرسوم بوده است مانند (سدیگر) به جای سوم (ثالثاً): (سدیگر بودن زیر آفتاب)

۳ - به کار بردن اسم مصدر های فارسی از قبیل: درازا، پهنا، ژرفا، فرامشتی به جای طول، عرض، عمق و فراموشی (= نسیان).

مآخذ عمده:

- ۱ - التفهیم شناسی تألیف مرحوم بهار (جلد دوم)
- ۲ - التفهیم به تصحیح استاد جلال همایی
- ۳ - تاریخ ادبیات در ایران تألیف استاد دکتر ذبیح‌اله صفا (جلد اول)
- ۴ - تاریخ تحول نظم و نثر فارسی تألیف دکتر ذبیح‌اله صفا
- ۵ - مقدمه فرهنگ فارسی و برهان قاطع شادروان دکتر معین (ولفت نامه دهخدا)
- ۶ - مقاله استاد مرحوم سعید نفیسی (نقل از مقدمه برهان قاطع).